

الكلمات الطيبات في اتخاذ الطعام بعد الاموات

حکم شرعی خرج بعد از مرگ

حضرت مولانا مفتی خدانظر رحمۃ اللہ علیہ

خانه رفته و در انتظار دوستان و آشنایان می نشینند تا برای فاتحه خوانی و عرض تسلیت پیش آنها بروند. متأسفانه به مرور زمان و همراه با پیشرفت اقتصادی مسلمانان از یکسو، و بی توجهی آنان به مسائل شرعی از سوی دیگر، اینگونه مجالس ساده و بی ریا که فقط به خاطر همدردی و کاستن اندوه بازماندگان برگزار می شد جای خود را به جلسات تجملاتی و میهمانی های سنگین و پرخرج عوض کرد و به

جائی رسید که رفته رفته چهره مذهبی به خود گرفته و حالتی یافته که از واجبات نیز واجب تر گشته. بازماندگان میت بلافاصله اقدام به خرید گوسفند و تهیه نان و ظروف کرایه ای و امثال آن نموده دسته دسته از فاتحه خوانان پذیرائی می نمایند، و هر کس سعی می کند تا در خرج کردن از دیگری عقب نماند. و در پایان بسیار شاد و خرسند می شوند چون توانسته اند برای مرده خود ثوابی بدست آوردند و شکرگذار درگاه خدا می شوند از اینکه که روسفید شده اند.

جلوگیری چنین طرز فکری که کلاً با اهداف عالیۀ اسلام مغایرت دارد علماء و روحانیان را بر آن داشت تا در جلسات موعظه و سخنرانی مردم را بااصل مطلب آشنا سازند و برای آنها توضیح دهند که چنین خرجهایی نه تنها برای مرده ثوابی به همراه نخواهد داشت؛ بلکه خود آنان را دچار ضرر اقتصادی، و مهمتر از آن دچار یک نوع لغزش شرعی نموده است و سعی روحانیان در این بود تا با تحقیقات خود دریابند که چگونه و از کجا چنین رسمی به

الحمد لله و کفی و سلام علی عباده الذین اصطفی:

بعد از حمد و ثنا به بارگاه حضرت احدیت و درود و سلام بر پیامبر بزرگ اسلام حضرت محمد مصطفی -

صلی الله علیه وسلم -، و بعد:

آنچه تقدیم علاقه مندان مسائل شرعی می گردد، تلاشی است علیه رسوم و بدعاتی که اصل شرعی نداشته و در این دیار رایج است. گرچه بر اثر کوشش بی دریغ علماء تا حدی از آنها جلوگیری بعمل آمده، ولی در بعضی مناطق هنوز در ترویج آنها تلاش می شود، تا جائی که بعضی ها به دلایل واهی متمسک شده و برخی آن را نیز برای بنده تحریر کرده اند. لذا تصمیم گرفتم مقاله مختصری که در برگیرنده تحقیقات متقدمین و متأخرین باشد بنگارش در آورده، تقدیم محافل علمی و مردم خوبمان بنمایم تا شاید خداوند آنرا موجب استفاده خاص و عام قرار دهد. و ماذک علی الله بعزیز.

بنده در نوشتن آن مرهون احسان علمای متقدمین و متأخرین بوده و از کتابها و فتاوی ایشان بویژه رساله:

«أحسن المقالات فی کراهیة ضیافة الأموات» از حضرت مولانا کریم بخش، استاد دانشگاه لاهور (پاکستان) و فتح القدير، قاضیخان، خلاصة الفتاوی، رد المحتار، بزازیة و غیره اقتباس کرده ام؛ اگر در نقل قول و تحقیق مسائل با دیدۀ بصیرت نگاه شود و اشتباهی پدیدار گردد خود را مصون و برتر از انتقاد نمی دانم.

گسترانیدن سفره از سوی بازماندگان میت

از مدتها قبل رسم شده که پس از دفن میت بازماندگان به

خود چهره مذهبی گرفته تا با شناخت و شناساندن آن موجبات آگاهی مردم را فراهم سازند. خوشبختانه در این زمینه اقدامات مؤثری صورت گرفته و در بین بسیاری از مردم این مسئله از چهره‌ای که به خود گرفته بود فاصله گرفته و بسوی شکل اولیه خود که همانا سادگی و کاستن بار اندوه بود، برگشته است.

متأسفانه علی‌رغم تمام کوششها، کم و بیش دیده و یا شنیده می‌شود که هنوز عده‌ای هستند که نتوانسته‌اند به اهداف اصلی اسلام پی ببرند و با تعصب و جهل مصرّانند که این جلسات ساده و غمزا را بشکلی تجمّلاتی و درد سر آفرین برگزار نمایند و اغلب برای توجیه عمل خویش استدلال به فتوای عده‌ای از روحانیان می‌کنند. روی همین اصل برای این دوستان ابتدا با آیات و احادیثی چند توضیح خواهیم داد که چه نوع خیرات و صدقاتی می‌تواند دارای ارزش باشد. و سپس توضیح داده خواهد شد که اشتباه دوستان روحانی ما از کجا ناشی شده و منجر به چنین فتوای بدعی گشته است.

بهترین صدقه در اسلام

خداوند متعال در قرآن مجید می‌فرماید:

(و انفقوا مما رزقناکم من قبل ان یأتی احدکم الموت فیقول ربی لولا اخرتني الی اجل قریب فاصدق و اکن من الصالحین و لن یؤخر الله نفساً اذا جاء اجلها)^(۱)

«اتفاق کنید از آنچه که ما به شما رزق داده‌ایم پیش از اینکه مرگ به سراغ یکی از شما بیاید، پس (به تمنی) گوید پروردگارا اگر مرگ مرا تا وقت نه چندان دور بتأخیر می‌انداختی، من صدقه می‌دادم و از صالحان می‌شدم؛ اما وقتی پیک اجل به سراغ انسان بیاید یک ثانیه در کار او تأخیر نخواهد شد.

در احادیث ذیل نیز دستور العمل روشنی برای نحوه صدقه دادن و چگونگی ارزش آن ارائه شده،

۱- «عن ابی هریره - رضی الله عنه - قال: جاء رجل الی النبی - صلی الله علیه وسلم - فقال: یا رسول الله ائی الصدقة اعظم أجراً قال: أن تصدق و انت حیح شحیح تخشی الفقر و تأمل الغنی

و لا تمهل حتی اذا بلغت الحلقوم قلت: لفلان کذا و لفلان کذا و قد کان لفلان»^(۲)

«از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت شده که شخصی نزد پیامبر - صلی الله علیه وسلم - آمد و گفت: یا رسول الله از جهت پاداش و ثواب کدام صدقه بزرگتر است؟ پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: آنکه تو صدقه کنی در حالیکه سالم بوده و از فقر بر خود بیمناک بوده و امید توانگری داشته باشی و فرصت نده تا مرگ به حلقوم شما رسد، و آنگاه گویی: این قدر مال فلان و این قدر مال فلان در حالیکه این مال به فلان (وارث) اختصاص یافته است.

مطلب حدیث شریف این است که برای خوشنودی خداوند متعال صدقه کنید زمانیکه مال در نزد شما محبوب است و نیاز به این مال دارید و کسی در مال شما شریک نیست، و تا فرا رسیدن موت درنگ نکنید که مال شما آن زمان به وارثان تعلق دارد و شما از این دنیا کوچ می‌کنید و نیازی به مال ندارید.

۲- «و فی الحدیث عن ابی سعید - رضی الله عنه - ان یتصدق المرء فی حال حیاته بدرهم خیر له من ان یتصدق بمائة عند موته»^(۳)

یعنی اینکه: انسان در حیات خود یک درهم خیرات کند بهتر از صدقه صد درهم بهنگام مرگ است.

۳- «و فی حدیث ابی الدرداء ان رسول الله - صلی الله علیه وسلم - قال: مثل الذی یعق عند الموت کالذی یهدی اذا شیح»^(۴)

پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - فرمود: مثال کسی که بهنگام مرگ غلام آزاد کند مانند کسی است که بعد از سیر شدن هدیه دهد. - که این خود دلالت بر بی‌نیازی او می‌کند - و هدیه بعد از سیری چندان ارزشی نزد همسایه ندارد.

۱- مناقون آیه ۱۰

۲- عمدة القاری شرح صحیح بخاری: ۲۸۰/۸

۳- عمدة القاری شرح صحیح بخاری: ۲۸۰/۸

۴- عمدة القاری شرح صحیح بخاری: ۲۸۱/۸

بی‌اطلاعی از مسایل دینی زیان آور است

بسیار مشاهده شده که بعضی از مسلمانان وصیت می‌کنند که بعد از مرگ او مقداری از مال او را اسقاط یا صدقه دهند یا در مراسم سوگواری او گوسفندانی برای اطعام مردم خریداری کنند، در صورتی که صدقه یک درهم در حیات وی بهتر از صدقه صد درهم بعد از مرگ او است، و این ضرر وارد شده ناشی از عدم آگاهی در دین است. انشاءالله در آینده حکم صحت و عدم صحت اینگونه وصایا بیان خواهد شد. اینک می‌پردازیم به موضوع اصلی.

حکم تدارک غذا از طرف خانواده میّت در مذاهب چهارگانه

غذایی که خانواده میّت به عنوان سوگواری تهیه می‌کند تا مردم از آن بخورند، نزد مذاهب اربعه اهل سنت مکروه تحریمی، معصیت، بدعت و قبیح است. ولی باوجود واضح بودن حکم مسئله باز مشاهده می‌شود که بعضی افراد سعی‌شان بر این است که اینگونه بدعات نه اینکه باقی بمانند بلکه مروج آن نیز می‌شوند، مهمترین دلیل و مستندشان روایتی است که در کتاب مشکوة المصابیح به این صورت نقل شده است:

«عن عاصم بن کلیب عن ابيه عن رجل من الانصار قال: خرجنا مع رسول الله - صلى الله عليه وسلم - في جنازة فرأيت رسول الله - صلى الله عليه وسلم - و هو على القبر يوصي الحافر يقول: «أوسع من قبل رجليه، أوسع من قبل رأسه»، فلما رجع استقبله داعي امرأته، فأجاب و نحن معه، فجيء بالطعام، فوضع يده، ثم وضع القوم. فاكلوا فنظرنا الى رسول الله - صلى الله عليه وسلم - يلوک لقمَةً في فيه، ثم قال: «اجد لحم شاة اخذت بغير اذن اهلها»، فارسلت المرأة تقول: يا رسول الله اني ارسلت الى البقيع، و هو موضع تباع فيه الغنم، يشتري لي شاة، فلم توجد فارسلت الى جار لي قد اشترى شاة أن يرسل بها اليّ بثمانها فلم يوجد فارسلت الى امرأته فأرسلت اليّ بها، فقال رسول الله - صلى الله عليه وسلم -: «اطعمي هذا الطعام الأسارى» رواه ابوداود و البيهقي في دلائل النبوة.

ترجمه: عاصم بن کلیب به نقل از پدرش که او نیز از مردی

انصاری روایت نموده، گفت: ما به همراه پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وسلم - در تشییع جنازه‌ای بیرون رفتیم، من رسول الله - صلی‌الله‌علیه‌وسلم - را دیدم که بر قبری نشسته، گورکن را وصیت می‌کرد و می‌فرمود: گشادکن قبر را از طرف پاهایش و گاهی می‌فرمود: گشادکن از طرف سرش. هنگامی که از دفن میّت فارغ شد و بازگشت، قاصد زن میت نزد او آمد و او را به تناول غذا دعوت کرد. پیامبر اکرم - صلی‌الله‌علیه‌وسلم - دعوتش را پذیرفت و ما نیز همراه او بودیم، پس غذا آورده شد پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وسلم - دست به طعام برد بقیه همراهان دست بر طعام نهادند و شروع به خوردن کردند. به رسول اکرم - صلی‌الله‌علیه‌وسلم - نگاه کردیم که لقمه‌ای را در دهان مبارک خویش گذاشته می‌جوید. آنحضرت - صلی‌الله‌علیه‌وسلم - فرمود: معلوم می‌شود این گوسفند بدون اجازه مالکش گرفته شده، زن پیغام فرستاد که یا رسول الله: من شخصی را بسوی بقیع فرستادم - بقیع محل خرید و فروش گوسفندان بود - تا برایم گوسفندی بخرد. گوسفند بدست نیامد نزد همسایه خود فرستادم که گوسفندی خریده بود تا گوسفندش را در مقابل قیمتش برایم ارسال کند، مرد همسایه حضور نداشت نزد زنش فرستادم پس زنش گوسفند را برایم فرستاد. آنگاه پیامبر اکرم - صلی‌الله‌علیه‌وسلم - فرمود: این طعام را به اسیران بدهید. در این حدیث محور استدلال لفظ «داعی امرأته» - یعنی قاصد زنش است. در مشکوة مأخذ این حدیث کتاب ابوداود و دلائل النبوة ذکر شده است. در صورتیکه در این حدیث در دلائل النبوة و ابوداود به جای لفظ «امرأته» لفظ «امرأة» یعنی قاصد زنی ذکر شده است. ملاحظه می‌فرمایید که یک اشتباه کوچک تا چه حد معنی و مفهوم را عوض می‌کند. وقتی در حدیث مذکور به جای «امرأة» به معنی «زنی»، کلمه «امرأته» یعنی: «زنش» بکار می‌رود، معنی کلاً تغییر می‌کند. یعنی در حدیثی که در مشکوة نقل شده می‌گوید: «بعد از اینکه پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وسلم - و همراهان از دفن میت فارغ شدند و برگشتند زن میت پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وسلم - و همراهان را به خوردن دعوت کرده است.»

«داعی امرأته» بالاضافة الى الضمير، قال القاری: أي زوجة المتوفی».

و در بذل المجهود این چنین است:

«استقبله داعی امرأة هكذا فی جميع نسخ ابی داود الموجودة عندی من المكتوبة المطبوعة، فنسخة مشکاة المصابیح «داعی امرأته» و فی شرح القاری: أي زوجة المتوفی».

این خود دلیلی دیگر بر اشتباه کتاب مشکوة است. جناب مولانا کریم بخش لاهوری در «أحسن المقالات» می فرماید: این حدیث را علامه سیوطی در خصائص کبری از بیهقی نقل کرده است. و در آن لفظ «امرأة» است که قبلاً از دلائل النبوة بیهقی ۳۱۰/۶ نقل گردیده است.

حدیث مذکور با لفظ داعی امرأه در منابع دیگری مانند: مشکل الآثار، معانی الآثار، المعتصر فی مختصر مشکل الآثار سنن دار قطنی و مسند امام احمد وارد شده است که جزئیات و تفصیل آن در شماره‌های بعدی تقدیم خوانندگان محترم خواهد شد.

در صورتیکه در کتاب دلائل النبوة و کتاب ابوداود که مأخذ اصلی حدیث هستند و نسخه خطی ابوداود نیز موجود است، همین حدیث به صورتی ذکر شده که این معنی را ادا می‌کند: زنی از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و همراهان خواست تا برای طعام خوردن به خانه اش بروند. یعنی زنی دیگر غیر از همسر میت.

اگر دوستان ایراد بگیرند که احتمال دارد اشتباه در کتاب ابوداود صورت گرفته و اصل همان «امرأته» است، باید عرض شود که تحقیق کوچکی این موضوع را روشن خواهد کرد که اشتباه در کتاب مشکوة صورت پذیرفته است. نه ابو داود.

دو تن از علماء برجسته هندوستان شروخی بر کتاب ابوداود نوشته‌اند که عبارتند از کتاب «عون المعبود شرح ابوداود» نوشته (تألیف) مولانا شمس الحق عظیم آبادی که از علماء بزرگ اهل حدیث است و دیگری کتاب «بذل المجهود شرح ابوداود» نوشته علامه مولانا خلیل احمد سهارنپوری این دو دانشمند و عالم برجسته وقتی در کتابهای خود حدیث مذکور را نقل کرده‌اند، لفظ «امرأة» را بکار برده‌اند. عبارات هر دو بزرگوار بقرار ذیل می‌باشد.

«قوله: داعی امرأة) كذا فی النسخ الحاضرة و فی المشكوة

۱. بذل الجهد: ۲۹۶/۱۴

۲. عون المعبود: ۱۸۰/۹

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

